

# سونامی نارضايتی اعضای صندوق ذخیره فرهنگیان

مهدی سورگی

مطالبه گر حوزه صندوق ذخیره فرهنگیان

صندوق ذخیره فرهنگیان در سال ۱۳۷۴ با هدف «ارتقاء وضعیت معیشتی فرهنگیان در زمان بازنشستگی» تاسیس شد. به ما گفتند:

- می‌توانید تا سقف ۵٪ حقوق خود را در این صندوق ذخیره کنید و دولت هم به همین میزان واریزی خواهد داشت و عملاً شما ۱۰۰٪ سود خواهید کرد.
- شما معلمان سواد مالی نداشته و سرمایه گذاری بلد نیستید، ما این پولها را به دست افراد کاردان خواهیم سپرد و مثل «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود»، با این دریای پول جمع شده کارهایی خواهیم کرد که هم کشور توسعه پیدا کند و هم شما در زمان بازنشستگی هیچ دغدغه نداشته باشید.
- افرادی امین بر امورات این صندوق نظارت خواهند که نه تنها خدا ترس هستند بلکه همیشه و در همه حال مدافع سرمایه شما خواهند بود و نخواهند گذاشت ذره‌ای حیف و میل شود.



---

امروز یک سال مانده به سی سالگی صندوق وضعیت چیزی نیست که به ما گفته شده بود:

- برای هر فرهنگی عضو صورت وضعیتی صادر شده که وقتی به آن

نگاه می‌کنیم احساس غبن، تحقیر و خسارن به ما دست می‌دهد.

- نه خبری از واریزی دولت معادل واریزی عضو است.
- نه خبری از سودسازی‌های چشم گیر (حتی از تورم هم سبقت نگرفته)

مضاف بر این سود واریزی دولت بیشتر از سود واریزی عضو حساب شده

هیچ مرجعی هم برای پاسخگویی به این روش محاسبه وجود ندارد، واحد رفاه و تعاون ادارات هم طوطی وار مطالبی غلط در مورد سود سازی‌های موسسه را تکرار می‌کنند.

---

زمانی فهمیدیم چنین کلاه گشادی سرمان رفته که فرم‌های بازنشستگی به دست در راهروهای ادارات آموزش و پرورش راه افتاده بودیم، چرا زودتر نفهیدیم؟ اینقدر ساده بودیم؟ چرا اجازه دادیم که چنین کلاه گشادی سرمان برود؟

به مدیران صندوق مراجعه کردیم، برای تسویه با تمام فرهنگیان عضو طبق این صورت وضعیت‌ها یک پنجم کل دارایی‌های کافی بود، گفتند بقیه هم دارایی بین نسلی یا انفال است. کار را به مراجع بالاتر تصمیم گیری بردیم، موضوع انفال (دارایی بین نسلی) منتفی و مقرر شد همه دارایی‌های موسسه بین فرهنگیان در قالب ارزش مالکانه تقسیم شود.

دوره آقای نیکدل (سال ۱۳۹۹) قرار شد تا سال ۱۴۰۰ حدود ۹۶٪ دارایی‌ها در قالب ۴ هلدینگ وارد بورس سپس ارزش مالکانه تقدیم فرهنگیان عضو خواهد شد.

مهندس نیکدل رفت و دکتر نجف پور آمد، و قرار شد ۱۰٪ کل دارایی‌ها در قالب شرکت سهند تخصیص یابد.

دکتر نجف پور رفت و دکتر احمدی آمد و همان هم نشد.

---

امروز به این نتیجه رسیده‌ایم، این موسسه صندوق تنخواه گردان وزارتخانه آموزش و پرورش است.

وزیر آموزش و پرورش در امور صندوق قدرت مطلق دارد، نایب رئیس هیات امنا، (معاون مالی و پشتیبانی وزیر) می‌تواند برای حل و فصل مشکلات ریز و درشت وزارتخانه دست در جیب موسسه کند.

بیش از هفت هزار پست و سمت خود موسسه و شرکت‌های تابعه آن محلی است برای انواع مروادت سیاسی و جناحی و تعیین حقوق‌های نجومی برای اعوان و انصار وزیر و یا نمایندگان مجلس منتقد و موافق وزیر

سود و زیان دهی شرکت‌های تابعه اصلا مهم نیست، مهم این است که یک عده از این سفره نانی ببرند و حقوق‌هایی بالاتر از حقوق یک فرهنگی بگیرند.

برخی معتقدند مافیازر و زور تزویر بر این موسسه تسلط یافته‌اند، اما تحقیقات ما نشان داده که ساختار به گونه‌ای طراحی شده که حتی اگر ابودر زمان هم بر راس آن قرار گیرد اتوماتیک مافیای زر و زور و تزویر مرتبط با همان ابودر را شکل خواهد داد. لذا اصلاح امور صندوق به شیوه بنگاه‌داری تقریباً غیر ممکن شده و اگر عزم جدی برای اصلاح باشد، تنها راه باقیمانده کوچک سازی موسسه و تبدیل آن به یک نهاد مالی است.

---

ما معتقدیم اگر هر چه سریعتر این صندوق به یک نهاد مالی طبق قوانین بازار سرمایه ایران تبدیل نشود، سونامی نارضایتی فرهنگی‌ای که تا سال ۱۴۰۴ بازنشسته می‌شوند، منجر به تنش‌های اجتماعی و اقتصادی فراوان برای کشور و حکومت خواهد شد.

ما معتقدیم مدیران صندوق هیچ درک درستی از شرایط مخاطره آمیز فعلی نداشته و بیش از آنکه دغدغه‌شان عبور سالم از بحران‌های پیش رو باشد، گرفتار روزمرگی‌های وزیر جهت پوشش منویات وی شده‌اند. ما معتقدیم گام‌های جدی آقای نیکدل و نجف پور در موضوع ارزش مالکانه، هزینه‌های زیادی برای ما داشته و باید به نتیجه برسد و نباید هر مدیری حق داشته باشد به سلیقه خود مسیرهای درست پیموده شده قبلی را بی نتیجه رها کند.

محک ما برای سنجش سلامت گفتار و رفتار مدیران فعلی صندوق تخصیص ارزش مالکانه کل دارایی‌های موسسه صندوق ذخیره فرهنگیان است، اگر این موضوع به سرانجام نرسد، این مدیران هم گرفتار ساختار مافیاساز زر و زور تزویر شده‌اند.